

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 84

Date of filing 18 March 1983

         AWARD. Date of Award                                 

         pages in English.          pages in Farsi.



         DECISION. Date of Decision                                 

         pages in English.          pages in Farsi.

         ORDER. Date of Order                                 

         pages in English.          pages in Farsi.

CONCURRING OPINION of Judge Mark

Date 4 March 1983          pages in English. 15 pages in Farsi.

         DISSENTING OPINION of                                 

Date                                   pages in English.          pages in Farsi.

         OTHER; Nature of document:                                 

Date                                   pages in English.          pages in Farsi.

دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحده  
DUPLICATE ORIGINAL  
نسخه برابر اصل

۴ مارس ۱۹۸۳ برابر با ۱۳ اسفندماه ۱۳۶۱

پرونده شماره ۸۴

شعبه سه

حکم قسمتی شماره ۲ - ۸۴ - ۲۷

التراسیستمزاینکورپوریتد ،

خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

ایزایران ،

خوانندگان .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۱ / ۱۲ / ۲۷ 18 MAART 1983
No	۸۴ / ۸۴

نظر موافق ریچارد ام. ماسک



اینجانب با حکم صادره دیوان موافقم . بدین علت موافقم تا اکثریتی برای صدور حکم حاصل شود .<sup>(۱)</sup> گرچه ، به طوریکه در زیر بحث کرده ام ، تحلیل من با تحلیل "دلائل حکم" متفاوتست ، با اینحال معتقدم که با توجه به اوضاع و احوال این پرونده ، نظریات دیگر نیز نامعقول نمی توانند بود . لیکن ، همانطور که ذیلا توضیح می دهم ، این تصمیم صحیح نبوده و کوه فعلی "پاره ای از مسائل بیلتکلیف گذاشته شود .

طرفین دیوان داری تحت اوضاع و احوال دشواری عمل کرده اند . ازدوگواه اصلی یکی فوت کرده و دیگری در ایران زندانی شده و گواهان دیگر در دسترس نبوده اند . خواهان به برخی مدارک و شهود دسترسی نداشته است . در مدارک ابرازی تعارضهای

<sup>(۱)</sup> همانطور که پروفیسور بیترسندرزن نوشته است : داوران " مکلفند شورهای خود را تا حصول اکثریت ، و احتمالاً" مصالحه ، ادامه دهند " . سندرز ، اظهار نظر در باره مقررات داری انسیترال

چنانچه اکثریت حاصل نشود ، هیچ حکمی قابل صدور نبوده ، و این بیعدالتی بزرگی نسبت به طرفین دعوی خواهد بود .

متعددی دیده می شود. محدودیت مسافرت بین ایران و ایالات متحده، فقدان روابط بین دو کشور، و طول مدت ادعا منجر به تشدید مشکل تهیه ادله و مدارک گردیده است. البته برای دیوانهای داوری نظیر این دیوان "رسیدگی اضطراری بر اساس ادله ناکافی، ناقص و اندک" یک امر غیرعادی نیست. سندیفر، ادله و مدارک ابرازی به دیوانهای بین المللی ۲۲ (۱۹۷۵). بعلاوه، دیوان مشخصاً "مجاز نیست که خود را سا" میسازد به انجام تحقیقات و کشف مواقف نماید. رجوع شود به همانجا: ۱۶۰ - ۱۵۴ (۲)

هنگامی که طرفی مثل ایزایران، به ادله و مدارک مربوط دسترسی داشته ولی از تسلیم آنها خودداری می ورزد، دیوان می تواند از امتناع وی در ارائه چنین مدارکی استنباطهایی به زیان او بنماید. همانجا صفحه ۱۴۷، رجوع شود به مواد ۳۰۲ - ۳۰۰ آئین دادرسی مدنی ایران (ترجمه صبی ۱۹۷۲).

با بررسی مدارک تسلیمی به دیوان در پرونده حاضر، من به این نتیجه می رسم که ایزایران به موجب "صورت حساب نهائی اختتامی" (صورت حساب نهائی) متعهد است، زیرا، به عقیده من آلترا سیستمز با اثبات واقعیات ضروری مربوط به ادعاهایش را به دوش کشیده، در حالیکه ایزایران از با اثبات واقعیاتی که در تائید پاره ای از مدافعات و ادعاهای متقابل خود بدان احتیاج داشته شان خالی کرده است. رجوع شود به مقررات موقت دیوان داوری بند ۱، ماده ۲۴، سندیفر، ماخذ بالا، صفحه ۱۲۷.

با وجود اینکه آلترا سیستمز علی رغم شرایط سخت موجود در ایران در اواخر سال ۱۹۷۸ کماکان به ایفای وظایف و مسئولیتهایش ادامه داد، ایزایران از انجام پرداخت به آلترا سیستمز خودداری ورزیده و ادامه انجام وظیفه را عملاً غیر ممکن ساخت.

---

(۲) البته، دیوان "می تواند از طرفین تقاضای تسلیم ادله و مدارک، ضمائم و مستندات دیگری را بنماید...". بند ۳ ماده ۲۴ مقررات موقت دیوان داوری. در پرونده حاضر، تقاضای خواهان برای ارائه مدارک هم توسط خوانده و هم دیوان نادیده گرفته شد. همینطور دیوان میتواند واقعیاتی را خود مسلم تلقی نماید (سندیفر، ماخذ فوق الذکر،

در حقیقت مدارک موجود حاکیست که ایزایران قادر نبود به پیمانکاران خارجی پولی پرداخت کند و بدینسان نمی توانست به تعهدات قراردادی خود در برابر آلتراسیستمز، عمل نماید. آلتراسیستمز اعلام کرد که ایزایران قراردادش را با آلتراسیستمز نقض کرده است، اما فرصت فسخ قرارداد را، به شرط اینکه ایزایران با پرداخت یک مبلغ نهائی مرضی الطرفین به آلتراسیستمز موافقت کند، به ایزایران داد. پس از آنکه ایزایران با فسخ قرارداد بر اساس این شرایط موافقت کرد، آلتراسیستمز یک صورت حساب نهائی، شامل "هزینه ها"، برای ایزایران ارسال داشت. این "هزینه ها" شامل اقلامی بوده که در مباحثات دیوان بدان و همینطور به مبالغ مربوط به هر یک از این اقلام اشاره شده است. ایزایران بالغو قرارداد دبر مبنای پرداخت رقم "صورت حساب نهائی" به آلتراسیستمز موافقت نمود.

آلتراسیستمزی توانست بابت کلیه زیانهای غیر مستقیم متجمله ناشی از نقض قرارداد ادعای خسارت کند. یک چنین ادعای خسارت ارتباطی با حق وی در رابطه بالغو قرارداد، به موجب ماده ۱۵ قرارداد، نمیداشت. بعلاوه، آلتراسیستمز میتواند به ماده ۱۵ قرارداد استناد جوید. ایزایران قرارداد را، از جمله، به دلیل عدم پرداخت مبالغ واجبالاد، به آلتراسیستمز نقض کرده است. شرایط زمانی

---

(۳) تا ۹ بخش ب دلایل حکم. "صورت حساب نهائی"، همچنین شامل مبالغ پرداخت نشده و مبالغ کسر شده بابت ضمانت های حسن انجام کار بوده است. همینطور نوشته جداگانه ای حاکی از موافقت ایزایران با آزاد کردن ضمانت نامه وجود داشته است.

(۴) ۱ - ۱۵ در صورتیکه مشاور یا ایزایران، این قرارداد را نقض یا از اجرای آن یا هر یک از شرایط آن امتناع ورزد و ظرف شصت (۶۰) روز پس از اخطار کتبی طرف دیگر در بر نقض شدن یا اجرا نشدن قرارداد اقدام به جبران آن ننماید، این قرارداد می تواند در هر زمانی بعد از آن، توسط طرف دیگر با تسلیم اخطار کتبی و یا تعلیق به طرف نقض کننده یا تصور کننده معلق یا فسخ گردد. چشم پوشی از هرگونه تخلف یا قصور به منزله چشم پوشی از تخلفها یا قصورها ی دیگر نخواهد بود.

۳ - ۱۵ در صورت فسخ قرارداد دبعلت رعایت مصالح ایزایران، یا به علت قوه قهریه و یا نقض، یا عدم اجرا توسط ایزایران، ایزایران باید مبالغ زیر را به مشاور پرداخت نماید

در ایران ظاهراً " مقتضیات لازم برای تحقق قوه قهریه را ، طبق ماده یازده قرارداد فراهم کرده بوده ، و فسخ قرارداد به سود ایزایران تمام می شد (۵)

آلترا سیستمز با دارا بودن حقوق و مطالباتی از اینگونه ، پیشنها دکرده که قرارداد فسخ شود ، مشروط بر اینکه آلترا سیستمز و ایزایران نسبت به تعهد ایزایران به آلترا سیستمز توافق نماید . ایزایران با این پیشنها موافقت کرد . سپس آلترا سیستمز و ایزایران راجع به ارقام پرداختها ئی که می بایست توسط ایزایران به آلترا سیستمز انجام شود ، و مبلغ واقعی تعهدات به توافق رسیدند .

بدینسان ، آلترا سیستمز و ایزایران به شرح منعکس در نوشته های متعدد ، قرارداد جدیدی منعقد ساختند که به موجب آن قرارداد سابق فسخ گردید (۶) آلترا سیستمز از حق

---

الف - قیمت کاری که به نحورضا بیت بخش توسط مشاوران تا تاریخ فسخ انجام شده ، و همینطور کلیه هزینه های که مشاوران را ببطه با فسخ و بازگشت کارمندان خود تحمل کرده است . اینگونه هزینه ها باید مستند باشند .

ب - هر مبلغ مرضی الطرفین بابت جبران هزینه های که مستقیماً از لغو قرارداد ناشی شده باشد . چنانچه طرفین در مورد مبلغ هزینه ها به توافق نرسند ، اختلاف با رجوع بدآوری به موجب ماده نوزدهم ، حل و فصل خواهد شد .

۵ - اینکه فسخ قرارداد ممکن بود به سود آلترا سیستمز نیز باشد ، موجب عدم نفاذ این قسمت از ماده ۱۵ نمی شود .

۶ - لزومی ندارد که توافق بصورت قرارداد کتبی رسمی باشد ، تا قابل اجرا گردد . رجوع شونده صبی قوانین تجاری ایران ۱۱ (۱۹۷۳) ترجمه صبی ، تجدید چاپ در :

ادعای خود به موجب قرارداد، خواه بابت نقض یا زیانهای مذکور در ماده ۱۵ قرارداد صرف نظر نمود و ایزایران قول داد که به صورت و مبالغ معینی پرداخته‌شده‌ها را به‌التراسیستمز صورت داده و ضمانت نامه را آزاد کند. طرفین یک قرارداد میتوانند در مورد فسخ آن با شرایط معینی توافق نمایند و بدین طریق قرارداد لازم الاجرای دیگری به جای آن منعقد سازند. رجوع شود فی المثل به بند ۱ ماده ۲۹۲ آئین دادرسی مدنی ایران (ترجمه صبی ۱۹۷۳).

بدینسان، این با صلااح "صورت حساب نهائی" ماهیتاً بخشی از قرارداد جدید است که تعهدات ایزایران به‌التراسیستمز را در رابطه با فسخ قرارداد سابق منعکس میسازد.

این واقعیت که مبلغ مندرج در "صورت حساب نهائی" حاوی اشتباهاتی بوده الزاماً از اعتبار قرارداد جدید نمی‌کاهد. طرفین روی اقلام تعهدات توافق کردند، یعنی در مورد عناصر مشکله‌دین به توافق رسیدند. این قرارداد، در واقع، نحوه تعیین مبلغ مورد تعهد را مقرر می‌دارد. اشتباهات نمایانگری دقتیهای متقابل در رابطه با ارقام مورد استفاده جهت تعیین مبلغ نهائی بوده، نه حاکی از فقدان توافق.

ایزایران منکر این نیست که اشتباهاتی صورت گرفته است. با توجه به توافق صریح درباره اقلام پرداخته‌ها، بسیار نا محتمل به نظر می‌رسد که ارقام غلط انگیزه توافق بوده و یا توافق بر مبنای ارقام غلط صورت گرفته باشد. از آنجا که ایزایران در مورد مبلغ بالاتری موافقت کرده، نمی‌توان تصور کرد که برای مبلغ پائین تری موافقت نمی‌کرد. بر همین اساس، دیوان باید بتواند قرارداد را از لحاظ بیجان قصد واقعی طرفین اصلاح نماید. (۷)

این مطلب که صورت حساب مزبور یک "صورت حساب نهائی" مرضی الطرفین بوده با این واقعیت تا ثید میشود که طرفین قرارداد در فسخ شده تلقی کرده‌اند. فسخ قرارداد مشروط به پرداخت صورت حساب نهائی بوده است. موافقت نامه جدید فسخ، که قسمتی از

---

(۷) اصلاح Reformation یک نوع ترمیم قضائی است که در انگلستان "تصحیح" "rectification" خوانده میشود. میتوان همچنین استدلال کرد که قرارداد، در صورتی نیسز که خواهان صرفاً "از مبلغ ناشی از اشتباه صرف نظر کند، قابل اجراست.

آن اجرا شده، (یعنی فسخ متقابل قرارداد) ، نبایستی صرفاً " به خاطر اشتباهاتی که برای ایزایران جزئی است نادیده گرفته شود، بر همین اساس، صورت حساب نهائی به شرح اصلاح اشتباهات مورد بحث با یدبه وسیله دیوان به مورد اجرا گذاشته شود. بنابراین، ضرورتی نداشت که دیوان تعیین کند که مبلغ اقسلام مختلف مذکور در صورت حساب نهائی قابل بازپرداخت است یا خیر.

حتی با وجود اینکه دیوان داوری تشخیص داده که در هنگام فسخ قرارداد، توافق قابل اجرائی وجود نداشته، باز فسخ عملی قرارداد با یدبا جبران خسارت به موجب ماده ۱۵ قرارداد دویا به موجب این فرضیه دیوان که قرارداد متضمن "ضابطه مناسبی برای جبران خسارت... در صورت فسخ متقابل است"، همراه باشد.

مدارک و ادله موجود ثابت می کند که طرفین، بر این اساس در مورد فسخ متقابل تراضی نمودند که خسارات جبران شود. در صورتیکه وعده قابل اجرائی در مورد جبران خسارات در کار نبود، فرض معقول اینست که قرارداد به موجب ماده ۱۵ فسخ گردیده، خسارت صورت حساب نهائی " حاوی این ادعای آلترا سیستماست که ایزایران قرارداد را نقض کرده است. بعلاوه، در صورت حساب مزبور قید شده که فسخ (قرارداد) "هم برای ایزایران و هم برای آلترا سیستما اینکورپوریتدمقرون به صلاح است"، یعنی اینکه فسخ اساساً "برای رعایت مصالح ایزایران" طبق ماده ۱۵ صورت گرفته است.

اعم از اینکه قرارداد، طبق ماده ۱۵ نقض شده باشد یا خیر، یا به طوری که دیوان تشخیص داده، قرارداد با یدبا بودن ضابطه مناسب برای جبران خسارت، به طور دو جانبه فسخ گردیده، لازمست برای تعیین مبلغ طلب آلترا سیستما شرایط قرارداد یعنی، "هزینه های واقعی منجمله در رابطه با فسخ و بازخوانی کارمندان" و "سایر هزینه های که مستقیماً ناشی از چنین فسخی باشد"، را تفسیر و تبیین نمود.

یک روش سنتی تفسیر قرارداد اینست که ما یدبه خود طرفین قرارداد با طرز عمل خود، چگونه

آنرا تعبیر و تفسیر کرده‌اند. رجوع شود به Corbin ۳ در خصوص قراردادها.

§ 558 at 249 (1960)

در پرونده حاضر، "صورت حساب نهائی" مبین این تفاهم طرفین است که هزینه‌های قابل جبران شامل هزینه‌های مستهلک نشده و سایر هزینه‌های کارهای انجام شده و مبالغی بابت سود است که در صورت اجرای قرارداد بده دست می‌آید. در مورد قلم اخیر باید متذکر شد که بر طبق مدارک موجود در نزد دیوان پرداخت سود آلترا سیستم تا اتمام اجرای قرارداد بده تا اخیراً فکند شده بود، و بدینسان، اگر چه سود عاید گردیده، ولی در صورت حسابهای ارسالی منعکس نشده بود. این واقعیت که طرفین، خود ارقام مزبور را به عنوان هزینه تلقی کرده‌اند، دلیل قانع کننده‌ای بر تفسیر صحیح قرارداد است.

بعلاوه، دیوان، در تصمیم صادره خود، ظاهراً "فقط هزینه‌های واقعی منجمله در رابطه با فسخ قرارداد و با زخوانی کارمندان، به موجب بند (الف) ماده ۱۵، را واجب الادا تشخیص داده است. (تاکید از نویسنده). در حقیقت، دیوان به جبران هزینه‌های دیگر (تاکید از نویسنده) ناشی از فسخ که در بند (ب) ماده ۳ - ۱۵ پیش بینی گردیده، توجهی ننموده است. مطمئناً عبارت "هزینه‌های دیگر" باید به نحوی تفسیر شود که از "هزینه‌های واقعی" منجمله در رابطه با فسخ و با زخوانی مشخص و متمایز باشد. هزینه‌ها غیر از "هزینه‌های واقعی" باید به نحوی تفسیر شود که زیانهای خواهان را که در صورت حساب نهائی تصریح گردیده در برگیرد. رجوع شود به فرهنگ وبستر

Webster's Third New International Dictionary 515 (1976) (a definition of "cost" is "loss, deprivation... as the necessary price of something gained or as the unavoidable result or penalty of an action")

بر اساس عوامل و مراتب یاد شده، به نظر اینجانب می‌بایست کلیه ارقام مورد اشاره به عنوان "هزینه‌ها" در هزینه‌های پرداختی به خواهان "صورت حساب نهائی" مرضی الطرفین، درج می‌شود.

دیوان با اشاره به "اوضاع و احوال و شرایط امضای نامه" رسمیت و اعتباری برای



صورت حساب نهائی قابل نیست . هرگونه استدلالی در مورد اعتبار و سندیت موافقت ایز - ایران دایر به پرداخت مبلغ مندرج در صورت حساب نهائی ، باید ، بر اساس ادله و مدارک موجود ، مردود شناخته شود . ایز ایران مدعی است که امضای مدیرعامل در پای توافق نامه پرداخت صورت حساب نهائی جعلی است . ایز ایران همچنین مدعی است که مدیرعامل مزبور فاقد اجازه و اختیار بوده است .

قانون ایران مقرر می دارد که " هر معامله ( قرارداد - م ) که واقع شده باشد محمول بر صحت است . مگر آنکه فساد آن معلوم شود " . ماده ۲۲۳ قانون مدنی ایران ( ترجمه صبی ۱۹۷۳ ) .

ایز ایران یک اظهاریه کتبی از مدیرعامل مزبور ، که اکنون در ایران زندانی است ، ارائه نموده حاکی از اینکه امضای پای توافق نامه فاقد سندیت است . با این حال توافق نامه روی کاغذ مدارک را ایز ایران تنظیم شده . خواهان سوگندنامه ای از یک کارشناس خط تسلیم نموده مبنی بر اینکه امضاء از آن مدیرعامل بوده است . یکی از شهود ایز ایران گواهی داده که امضای مورد بحث شبیه امضای مدیرعامل است . ضمناً " مدارک موجود حاکیست که یکی از کارمندان آلترا سیستمز در گزارش خود در هنگام انعقاد توافق نامه ، از آن سخن گفته است . گوا اینکه کارمند مزبور اکنون فوت نموده است . پرافکارمند غایب ایز ایران قابل توجه است چه حروف اول نام وی بر حسب معمول در پای این قبیل نامه ها در گذشته تایپ می شده است . اینکه برخی گفته اند مهر مدیرعامل رانمی شناسند و یا شماره ترتیب نامه منطبق با ترتیب توالی آن نیست ، از اعتبار و سندیت امضاء نمی کاهد . ایز ایران با اثبات ادعای خود دایر بر عدم سندیت امضاء را ، که ظاهراً " از آن مدیرعامل بوده ، به دوش نکشیده است .

بعلاوه ، در پاسخ به این ادعای بعد از موعد که مدیرعامل فاقد اجازه و اختیار انعقاد موافقت نامه بوده است ، آلترا سیستمز مدارکی از کارمندان سابق ایز ایران تسلیم نموده دال بر اینکه مدیرعامل چنین اجازه و اختیاری را داشته و در رابطه با معاملات دیگر آنرا اعمال نموده است .

دیوان داوری اظهار می دارد که "پاره‌ای اوضاع و احوال مربوط به امضای نامه مورد بحث، در اینکه این نامه را بتوان به مثابه تا‌شید صورت حساب نهائی تعهدآور برای ایزایران تلقی کرد، ایجاد تردید جدی می نماید". دیوان توضیح نمی دهد که این "اوضاع و احوال" چه بوده است. اینک ممکن است در این امر جای "تردید" باقی باشد بدان معنی نیست که باید انبوه مدارک حاکی از سندیت نامه را نادیده گرفت. این خواننده است که میباید اثبات کند که نامه سندیت نداشته است. دیوان مشخص نمی سازد که چطور این امر تحقق یافته است. فی الواقع، در پرتو ادله و مدارک موجود، ظاهراً هرگونه تردید جدی تا حدود زیادی برطرف میشود. (۸)

با توجه به تمام این واقعیتها، من معتقدم که توافق نامه فیما بین طرفین، پس از اصلاح "صورت حساب نهائی" می بایست به مورد اجرا گذاشته می شد. بعلاوه، معتقدم حتی اگر توافق نامه به مورد اجرا گذاشته نشود، خواهان استحقاق دریافت مبالغ اصلاحی مورد دین تحت هر یک از اقلام مورد توافق در صورت حساب نهائی را دارد.

(۹) اینجانب از بعضی جنبه‌ها، با تصمیم دیوان در خصوص برخی اقلام خاص، موافق نیستم،

---

۸ - بعلاوه، در رابطه با اعتبار نسبی طرفین، خواهان داد و طلبا نه‌جا ضرر در مورد اشتباهات مربوط به محاسباتش، اطلاعاتی در اختیار نگذازد و بدینوسیله میزان ادعای خود را تقلیل دهد. از سوی دیگر، اظهارات ایزایران طی استماع مقدماتی درباره موضوع کنترل، مغایر با واقعیات موجود و مواضع اتخاذی آن در رسیدگیهای دیگر بوده است.

۹ - دیوان داوری بر این نظر است که ادعای هزینه‌های درمانی بابت جراحات وارده به یکی از کارکنان آلترا سیستمز در حیطه صلاحیت دیوان قرار نمی گیرد، زیرا اینگونه صدمات "در نتیجه جنبشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران" که ناشی از عمل دولت ایران باشد، نبوده است. (بند ۱۱، بیانیه الجزایر بیه حل و فصل دعاوی، بند ۱ ماده دو). چنانچه این ادعا مبتنی بر یک موافقت نامه پرداخت با شونده یک ادعای مستقیم مبتنی بر مسئولیت مدنی برای صدمات جسمی در این صورت ادعای مزبور در حیطه صلاحیت دیوان داوری است. برای نظرات اینجانب در رابطه با بیهزه و هزینه‌ها رجوع شود به نظر موافق ریچارد ام. ماسک در حکم شماره ۳ - ۲۵ - ۱۸ (گرانیت استیت ماشین کامپنی، اینکورپوریتد).

اما با توجه به نظر خود اینجانب دایر بر این نکته کل مبلغ صورت حساب نهائی منهای مبالغ اشتباهی، واجب الادا است، ضرورتی برای بحث در مورد این ارقام خاص نمی بینم.

دیوان داوری درباره ادعای ایزایران دایر بر پرداخت مبالغ معینی به آلتراسیستمز تصمیمی اتخاذ ننمود. در این رابطه، ایزایران نسخ دوچک ادعائی، قابل پرداخت به آلتراسیستمز را (که به فارسی است و ظاهراً "به فارسی هم ظهرنویسی شده) تسلیم نموده و اسناد مزبور را به عنوان مدرک پرداخت مبالغ خاص مورد ادعای آلتراسیستمز تلقی می نماید. ایزایران، همچنین به چند یادداشت داخلی مبنی بر اجازة پرداخت اشاره نموده است. تا پایان جلسه استماع ایزایران در مورد صحت سندیت چکها مدرک شایان توجهی ارائه نکرد. آلتراسیستمز مدارکی دال بر این نکته سوابق وی نه حکایت از دریافت چکها دارد و نه دریافت مبلغ آنها و اینکه خلاصه چکی دریافت نکرده، ارائه نموده است.

در مورد یکی از چکها (چک شماره ۱۸۴۱۰۱)، آلتراسیستمز مدارکی منتهی برای اینکه یک روز بعد چک دیگری، را به نحو مقتضی دریافت و ثبت نموده، ارائه داده است. بنا بر این، اگر چکی که یک روز قبل داده شده به همین ترتیب دریافت و ثبت نمی شد، جای تعجب بود. اگر چه ظاهراً "چک مزبور ظهرنویسی شده، با اینحال نمی توان تشخیص داد که چه کسی از جانب آلتراسیستمز چک را ظهرنویسی کرده است. بعلاوه، هیچگونه دلیل و مدرک مستقلى دال بر وصول چک و وصول وجه مربوطه و واریز آن به بستانکار حساب آلتراسیستمز در دست نیست.

در رابطه با چک دیگر (چک شماره ۸۵۴۴۵۴)، سوگندنامه ای از یکی از کارمندان آلتراسیستمز در دست است دایر بر اینکه وی از این پرداخت اطلاعی نداشته و استنباط او این بوده است که ایزایران در تاریخ صدور چک، به هیچ یک از بستانکاران خارجی خود پولی پرداخت نمی کرده است. شاهد دیگری، که از سال ۱۹۷۶ تا ۸ فوریه ۱۹۷۹ (۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷) در استخدام ایزایران بوده، گواهی داده است که از سپتامبر ۱۹۷۸ به بعد، ایزایران به هیچکس پولی پرداخت ننموده و پرداخت به بستانکاران جزء نظیر آلتراسیستمز به علت شرایط موجود در ایران و نبودن پول "غیر ممکن" می بود. چک مزبور که ظاهراً "به فارسی ظهرنویسی شده با زهم نشان نمی دهد که ظهرنویس واقعاً "چه کسی بوده است.

بعلاوه ، ایزایران نه صورتحسابهای عادی بانکی خودرا تسلیم کرده است و نه هیچگونه سوابق بانکی دیگری را در رابطه با چک مورد بحث ارائه نموده است .

بدینسان ، چکهای غیر مستند مدرک کافی برای اثبات پرداخت به شمار نمی روند . این واقعیت که ایزایران مدارکی حاکی از اینکه چکها سندیت داشته و واقعا " منحرَبـــــــــــــــــه پرداخته آلتراسیستم گردیده ، در اختیار داشته ، و معذاً از ارائه این مدارک خودداری ورزیده ، خود منجر به این استنباط میشود که چنین مدارک و سوابقی وجود نداشته و بنا بر این مبالغ چکهای ادعائی نه به بستانکار حساب آلتراسیستم گذاشته شده نه به نحو دیگری توسط آلتراسیستم دریافت گردیده است به سندیفیر (که قبلاً "بان اشاره شد در صفحات ۱۵۴ - ۱۴۷) مراجعه فرمائید .

بعلاوه ، با توجه به این واقعیت که آلتراسیستمزدا و طلبان مدارکی تسلیم کرده حاکی از اینکه مبالغ خاصی را طلبکار نبوده ، و بدینوسیله مبلغ ادعای خودرا تقلیل داده ، غیر محتمل به نظر می رسد که دریافت مبالغ چکهای ادعائی مزبور را آگاهان کتمان کرده باشد .

البته امکان دارد که علی رغم محکم بودن ادله و مدارک چکها پرداخت شده و مبلغ آنها توسط آلتراسیستم دریافت شده باشد . زیرا به علت اوضاع آشفته آن زمان امکان وجود اشتباه در سوابق آلتراسیستمزرا نمی توان نفی کرد . نه این دیوان ، و نه هیچ مرجع دیگری ، نمی تواند واقعیتها را در حد مطلق مسلم تشخیص دهد . دیوان دآوری فقط بر مبنای مدارک موجود و بر اساس اصول حقوقی و احتمالات مختلف میتواند تصمیم بگیرد .

بدینسان ، دیوان دآوری در این نتیجه گیری که ایزایران ، با اثبات پرداخت مبالغ مورد بحث را به دوش نکشیده ، کاملاً " ذیحق بوده است . رجوع شود به بند (۱) ماده ۲۴ مقررات موقت دیوان دآوری [ "هریک از طرفین دعوی موظف است که مسئولیت اثبات مستندات را که در تائید ادعای دفاعیه خود عنوان نموده شخصاً " بعهده بگیرد " (تاکید از نویسنده است) به دوش بکشد " ] . مدتها پس از پایان استماع ، و اندکی پس از شورنهایی ، دیوان دآوری دوتلکس که

ظاهرا " ازبانک های ایرانی فرستاده شده بود، دریافت کرد. یکی از آنها از " اداره دعوای بین المللی" بود. در یکی از تلکسها ذکر شده بود که یکی از چکهای مورد اختلاف " جهت پرداخت به حساب آلتراسیستمز (پاس) گردیده " و اینکه " اطلاعات داده شده بر مبنای محتوای نامه دریافتی از ایزایران می باشد ". تلکس دیگر مربوط است به گذاشتن مبلغ چک به حساب آلتراسیستمز و صورت حسابهای شرکت مذکور میباشد. بلافاصله پس از اتمام شور در باره این تلکسها، تلکس سومی ظاهرا " از یکی از بانکها واصل شد که حکایت از برداشت وجه مورد ادعا از حساب آلتراسیستمز می کرد. تردیدی نیست که تلکسها در پاسخ به تماس یک جانبه Ex Parte یکی از داوران (که از طریق دستیار حقوقی خود اقدام میکرد)، در رابطه با جلسات شور، تسلیم شده بود. راجع به رعایت آداب نزاکت در مورد اقدامات فوق، رجوع شود به تبصره ۲ ماده ۳۱ مقررات موقت دیوان داوری Naomi Russell (Mexico/U.S.A.) 4 R. Int. Arb. Awards 805, 884 (1931) (Nielsen dissenting); Mustill and Boyd, The Law and Practice of Commercial Arbitration in England 271 (1982); Sandifer, supra at 1-14, 154-160. Amer. Arb. Assoc. and Amer. B. Assoc. Code of Ethics for Arbitrators in Commercial Disputes, Canons III, VII (1977).

باید متذکر شد که دیوان داوری بدون اینکه به خواهان اجازه دهد که از تماس های یک جانبه Ex Parte با هیچکدام از داوران در مورد تسلیم مدارک لازم برخوردار گردد، در چند موضوع مربوط به واقعیات علیه خواهان رای داده است.

دیوان داوری میبایستی از قبول تلکسها یا اعتنا به آنها به جهت و منظور

خودداری کرد. تلکسهای مزبور حتی توسط یک طرف داوری تسلیم نشده بود. رجوع (۱۵) شود به بند (۳) ماده ۲۴، تبصره ۲، ماده ۲۵، ماده ۲۹ مقررات موقت دیوان داوری.

ماده ۲۹ مقررات موقت دیوان داوری به شرح زیر مقرر می‌دارد:

۱ - دیوان داوری میتواند از طرفین جویا شود که آیا ادله و مدارک دیگری جهت ارائه یا شهود دیگری جهت استماع یا اظهاریه‌ها و مطالبی برای تسلیم دارند یا خیر، و اگر ندارند، دیوان میتواند جریان رسیدگی را خاتمه یافته اعلام کند.

۲ - دیوان داوری میتواند، در صورتیکه به علت شرایط و اوضاع و احوال استثنائی لازم تشخیص دهد، به تصمیم خود یا به تقاضای یکی از طرفین در هر زمانی پیش از صدور رای، جلسات رسیدگی را تجدید نماید.

در پرونده حاضر، جریان رسیدگی خاتمه یافته اعلام شد. هیچ یک از طرفین از دیوان تقاضای تجدید رسیدگی ننمود و هیچگونه "شرایط استثنائی" نیز از نظر لزوم تجدید رسیدگیها، وجود نداشت. تلکسهای یاد شده، سه ماه پس از استماع، بدون هیچگونه توضیحی، دریافت گردید. بایده توجه داشت که ادعا در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آبانماه ۱۳۶۰) ثبت شده بود. در ۳۱ مارس ۱۹۸۲ (۱۱ فروردینماه ۱۳۶۱) استماع مقدماتی برگزار شد، دیوان دستوری صادر کرد مبنی بر این که لوایح و اظهاریه‌ها تا تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ (۷ مردادماه ۱۳۶۱) ثبت شوند. استماع به تقاضای خواننده به تعویق افتاد و در تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۲ آبانماه ۱۳۶۱) برگزار گردید. خواننده از هرگونه فرصتی برای ارائه مدارک در باره این موضوع و هر موضوع دیگر برخوردار بود. نمایندگی آنرا مشاور مجربی به عهده داشت. بر همین اساس، و بنا به کلیه دلایل مذکور در فوق، دیوان داوری می‌بایستی از قبول تلکسهای یاد شده امتناع می‌ورزید.

حتی اگر دیوان میتواند تلکسها را قبول کند، با زخمی شدن آنرا مدرک مستندی به حساب آورد. رجوع شود به بند (۶)، ماده ۲۵ مقررات موقت دیوان داوری (دیوان داوری در باره "قابل قبول بودن... مدارک ارائه شده" تصمیم خواهد گرفت). هیچ

(۱۵) البته دیوان داوری میتواند از منابعی نظیر کارشناسان اختصاصی خود و از کسانیکه برای شرکت در جلسه دعوت شده‌اند، به موجب تبصره ۵ ماده ۱۵ مقررات خویش مدارک و ادله‌ای فراهم و نیز واقعیاتی را خود مسلم و محرز تشخیص دهد. اما بررسی اوراق و مطالبی که توسط یک طرف کارملا" بیگانه در دعوی، آنهم بدون اجازه، دیوان، ارائه شده، موضوع دیگری است.

مدرکی در اثبات اینکه تلکسها واقعا " توسط یک مقام بانکی فرستاده شده در دست نیست . همینطور ، هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد شخصی که تلکسها را ارسال داشته ، حتی اگر کارمند بانک بوده ، در سمتی بوده که بتواند از اطلاعات مندرج در آن آگاهی داشته باشد . تلکسها نمی توانند هیچگونه مدرک مستدل و مستندی به شما آریند . و مطمئنا " سوگندنا مه نیز تلقی نمی شوند . تلکسها مبهم و فقط شامل تکرار مطالبی است که ادعا میشود در سوابق موجود بوده ، هیچگونه دلیلی ارائه نشده که چرا مدارک اصلی تسلیم نگردیده است .

خلاصه اینکه در مورد معتبر بودن تلکسها و محتوای آنها دلیل کافی ارائه نشده است . اگر چه دیوان داور در پذیرفتن ادله و مدارک نرمش زیادی به خرج میدهد ، با اینحال قبول این تلکسها ، در حالیکه خواهان به مدارک مستدل دسترسی داشته ، نمی توانست قابل توجه باشد . بر همین اساس ، حتی اگر تلکسها به طور صحیح در دیوان ثبت شده بود ، دیوان این حق را داشت که از دریافت ، یا به طریق دیگر از ملاحظه آنها یا به عنوان مدرک امتناع ورزد .

بالاخره ، حتی اگر تلکسها به عنوان مدرک قبول میشد ، به علت وضعیت و محتوای آنها از اعتبار اندکی برخوردار می بود . هیچگونه مدرکی در دست نیست که نشان دهد که مبالغ موضوع چک ها واقعا " به حساب آلتراسیستم منظور گردیده و یا اینکه آنچه که آلتراسیستم حسب الادعا از حساب خود برداشت کرده است از محل این چک ها تامین شده است .

رسیدگی به پرونده مزبور بیش از یکسال طول کشیده . همانطور که در بالا اشاره شد ، به خواننده وقت و فرصت کافی داده شده تا پرونده خود را تا ماده و مدارکش را تسلیم نماید . این رسیدگی بطور منصفانه انجام گرفته و خواننده طمأنه می تواند مدرک و دلیل ارائه و از شهود خواهان بازرسی نماید ، و اینکار را هم کرد . پرونده به مدتی بیش از سه ماه تحت بررسی بوده است . بالاخره دیوان باید دعوی را در جائی ختم و حکمی در مورد آن صادر نماید .

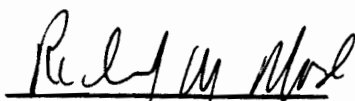
با اینکه مواقع مناسبی برای انعطاف پذیری در اعمال مقررات شکلی یا استنادی وجود دارد ، معهدا ، نه نرمش در اعمال مقررات و نه حقیقت جوئی ، هیچ اقدامی را بر اساس دریافت تلکس ها تحت اوضاع و احوال مذکور در فوق توجیه نمی کند . فی الواقع ، حتی تائید نهائی موضع ایزایران در مسائل حل نشده ، موجب چنین توجیهی نمی شود .

یک دیوان داوری که در آن هزاران دعوای مختلف مطرح است با یک داوری بین المللی که فقط مسئول رسیدگی به یک دعوی است تفاوت فاحش دارد . خواهان ها و خواندگانی که به دیوان داوری مراجعه می کنند این حق را دارند که به دعوی آنها ، طبق مقررات دیوان و قانون ، به سرعت و بنحویث و منصفانه ای رسیدگی و درباره آنها تصمیم گرفته شود . رسیدگی های توأم با تاخیر طولانی و پرخرج که ضمن آنها با طرفین به مساوات رفتار نمی شود ، در مقایسه با ندادن اجازه به طرفین جهت استفاده از امکانات و وقت نامحدود برای اثبات هر یک از واقعیات در هر دعوای خاصی ، بمراتب بیشتر موجب بی عدالتی میشود .

همانطور که در ابتدا خاطر نشان ساختم ، علی رغم اینکه من استدلال دیگری را در ماهیت ترجیح می دادم و علیرغم ناخرسندی در مورد پاره ای اقدامات شکلی و رویدادهای مرتبط با این دعوی ، با این حال حکم را تائید می کنم ، چه از نظر حصول اکثریت آراء آنرا قابل دفاع تشخیص می دهم . بنا بر این با حکم دیوان داویر برای اینکه خواننده ، ایزایران باید مبلغ ۳۶۱،۱۳۶/۹۲ دلار به خواهان ، آلترا سیستمز اینکورپوریتد بپردازد ، موافقم .

لاسه ،

به تاریخ ۴ مارس ۱۹۸۳ برابر با ۱۳ اسفند ماه ۱۳۶۱



ریچارد ام. ماسک